

## از خانه تا سیاه خانه جایگاه معماری در سیاه چادر کوچ نشینان

### نجمه حساس

کارشناس ارشد مرمت و احیا بناهای تاریخی

Plakat341@yahoo.com

### چکیده

عشایر به تبع نوع زندگی و ضرورت‌های زیستی، سکونت‌گاه‌هایی با مشخصات ویژه دارند که در هماهنگی کامل با شرایط حاکم بر زندگی آنان است. این چادرها که طی قرن‌ها به عنوان بهترین و مناسب‌ترین سرپناه‌های عشایر مطرح بوده‌اند به دلیل سهولت در برافراشتن، تهیه کردن و حمل و نقل کاملاً سازگار با این شیوه زندگی هستند. این سازه بومی سکونت‌گاهی چهارفصل است که با اندک تغییراتی، خود را با فصول مختلف هماهنگ می‌گرداند و در آن علاوه بر رعایت شرایط لازم برای زندگی، به جنبه‌های هنری نیز توجه شده و به خوبی نوعی از تکنولوژی بومی اصیل و ابتکار را به نمایش می‌گذارد. در تقسیم‌بندی فضای داخلی این سکونت‌گاه بومی، از فضا به بهترین وجه استفاده شده است. تقسیم‌بندی فضاهای آن ریشه در تجربیات، اعتقادات و باورهای فرهنگی از جمله در نظر گرفتن مسائلی نظیر حریمیت مردم دارد. این سازه از مصالح بوم آورد و در تطابق با شرایط زیستی حاکم به وجود آمده است و یک سازگاری با محیط خشن و غیر قابل پیش‌بینی زندگی عشایر دارد، که در بردارنده استراتژی کاملاً هدف‌گرایانه مبتنی بر آگاهی و تفکر است. مطالعه حاضر به روشنی نشان می‌دهد سیاه چادر، تمامی تعاریف و معانی خانه را داراست، با حداقل هزینه و با ظاهری ساده ولی کارایی بسیار بالا و ایده آل. این پژوهش برگرفته از فصل‌های پایان‌نامه کارشناسی نویسنده با عنوان حفاظت از سیاه چادرهای عشایر قشقایی فارس است که موفق به ثبت ملی این سازه در فهرست آثار ملی ایران شده، تنظیم گردیده و اساس تحقیقات بر پایه شناخت تاریخ، جایگاه و معانی خانه و تطبیق و بررسی این مفاهیم با سیاه چادرهای عشایر و علت نام‌گذاری سیاه خانه بر این سازه و تحلیل معمارانه آن است. این تحلیل‌ها بر روی سیاه چادرهای عشایر قشقایی فارس طایفه کشکولی بزرگ به عنوان نمونه صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاه چادر، کوچ نشینی، خانه، سیاه خانه، سرپناه.

### ۱- مقدمه

ایلات و عشایر بر مبنای دامداری و به منظور تأمین علوفه برای دام‌هایشان می‌بایست تغییر مکان دهند که این نکته علی‌رغم دارا بودن مشکلاتی در جابجایی و کوچ، منجر به ساده‌تر شدن زندگی آنها و سکنی‌گزیدن در سکونت‌گاههای موقت می‌گردد. یکی از گونه‌های حائز اهمیت در سکونت‌گاه‌های موقت، چادرها هستند که در سرزمین فارس با نام سیاه چادر شناخته شده است. در این راستا به بررسی خانه و انطباق آن با سیاه چادر پرداخته، تا دیگر نتوان به راحتی از به این سازه به ظاهر ساده نگاه کرد.

این پژوهش به معرفی خانه عشایر کوچ‌نشین پرداخته و در این راستا سیاه چادرهای عشایر قشقایی فارس طایفه کشکولی بزرگ را به عنوان نمونه مورد تحلیل قرار داده است. ایل کشکولی بزرگ از حدود ۴۰ طایفه تشکیل می‌شود که به همراه سایر تیره‌های قشقایی بیلاق- قشلاق می‌گردند. بیلاق آنها قسمتی از شمال سمیرم (دیزجان) بوده است زمستان را به مناطق جنوبی فیروزآباد کوچ می‌کردند بعدها قشلاق آنها به ماهور میلانی تغییر کرد. کمی بعد از جانب کلاتر ایل محل بیلاقی آنها به همایجان و کمهر که از لرهای ممسنی خریداری می‌شود تغییر

می‌کند. زمستان در ماهور میلادی، چنار شاه‌یجان، پیرامون کازرون و باباکلان بسر می‌برند و تابستان کوه آبنو، خرک، چهل چشمه، دشت ارژن، ایزدخواست، زنگنه، کهره، کوه میشان و آردکان است. (ذرداری، ۱۳۸۹: ص ۳۵)

## ۲- خانه

- خانه: آن جایی که در درون آن آدمی سکنی می‌کند « ناظم الاطباء » - سرا - منزل.
- مسکن: سکونت « مثل ملبس، منکح، مطعم، مشرب » یادداشت مرحوم دهخدا.
- سیاه چادر: خیمه و خانه مردم صحرائشین « ناظم الاطباء » - چادرهای ایلی. (فرهنگ لغت دهخدا، ۱۳۷۷)
- خانه: سرای - اتاق - دار.
- مسکن: منزل - محل اقامت.
- سیاه چادر: چادر سیاه - خیمه‌هایی تیره رنگ که صحرا نشینان و دامداران در صحرا برای خود برپا می‌کنند- سیاه خیمه و سیاه خانه نیز می‌گویند. (فرهنگ لغت معین، ۱۳۵۰)

پناه‌گاه: خانه مفهومی است ازلی. دیرزمانی پیش از آنکه معماری با تصرف ساختگی فضا هستی یافته باشد، طبیعت، خانه را به شکل حفره‌ها و فرورفتگی‌های طبیعی به انسان‌های نخستین عرضه کرده بود. غارها و برآمدگی صخره‌ها نه سکونت‌گاه که پناه‌گاه این انسان‌ها در برابر ناملایمات آب و هوایی و حملات حیوانات درنده بوده‌اند.

اقامت‌گاه: انسان مستقل از طبیعت برای رفع نیازش به سرپناه دست به کار ساختن خانه می‌شود. معماری در شکل مصالح مادی تجسم خارجی می‌یابد و ساختن و برافراشتن به منظور اقامت گزیدن دائمی یا موقت انسان و ذخیره دارایی‌هایش شکل عینی به خود می‌گیرد. اقوام کوچ نشین در چادرهای پارچه‌ای ساخته دست خود اقامت می‌کنند و یکجانشینان کلبه‌های اولیه بشری را بر پایه ستون‌هایی از تنه‌ی درختان استوار می‌کنند. الگوی کلبه‌های اولیه، ساختار اصلی خانه را تا دوران معاصر حفظ می‌کند و همواره سازه را به عنوان عامل اصلی تأثیرگذار بر شکل خارجی ساختمان معرفی می‌کند.

سکونت‌گاه: در بستر نیاز ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر، خانه در کنار خانه قرار می‌گیرد و زندگی اجتماعی بشر شکل می‌گیرد. معمار، با به‌کار بستن مفاهیم اندیش‌گرایانه غیرمادی و با دمیدن روح زندگی به فضاهای اقامت‌گاهی قبلی، شمایی ارتباطی از خانه و گفتمانی از عناصر تشکیل دهنده آن می‌سازد. این خانه‌ها تاریخ‌ساز می‌شوند چندان که ویلا روتوندا، خانه لوس، ویلا ساووا، خانه آبشار، خانه مادر و نتوری و بسیاری نمونه‌های دیگر چنین بوده‌اند. (زرین پناه، ۲۰۰۷: ص ۶۲)

واژه خانه را در مقابل واژه‌هایی مثل منزل، مسکن و... انتخاب کرده، خانه صرفاً هم ردیف با محل سکونت نیست اما می‌تواند به عنوان یک مکان تعریف شود. بعضی کلمات با گرفتن پسوند خانه، معنا و ابعاد زیادی را در بر می‌گیرند مثل آشپزخانه، قهوه‌خانه، پست خانه، تماشاخانه، چایخانه، چله خانه، چاپارخانه، زورخانه، رصدخانه و... یعنی همه این کلمات بخشی از سکونت را در بر می‌گیرند و مکانی با توجه به نوع فعالیتشان را معرفی می‌کنند. در خانه آشنایی با جهان بی واسطه صورت می‌پذیرد و می‌توان گفت خانه مکانی است که وقایع زندگی روزمره را در بر می‌گیرد و زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی و وجود ما حفظ کرده و از این رو همچون تکیه‌گاهی آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند.

فلسفه بواقع دلتنگی برای خانه است، اشتیاقی درونی برای در خانه بودن در همه جا، پس ما به کجا می‌رویم؟! همواره به خانه خویش. (دورانت. ۱۳۴۴: ص ۷۱)

خانه جای است که ساکنان آن در آنجا احساس ناراحتی نکنند، اندرون خانه جای است که زن و فرزندان در آن بسر می‌برند، باید در آن احساس خستگی نکنند. (پیرنیا، ۱۳۸۹: ص ۴۳)

خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط و رابطه صمیمی بین محیط خارج و پدیده های زیستی انسان بر قرار می سازد، در خانه می بایست که فرد یا یک خانواده زندگی کنند و در آن تفکراتشان را انجام دهند. «لوکوربوزیه»  
خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله شاخص ترین بنا در تحکیم مکان. «چارلز مور»  
خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه برای کارهای پیچیده، برای مسائل فرهنگی تحت تاثیر فرهنگ است حتی از ابتدا مفهوم خانه به معنای فضای عمل کردی محض نبوده، جنبه مثبت ایجاد محیطی مطلوب برای خانواده به مثابه محیط اجتماعی، به سر پناهی، خانه اشاره می کند اما چیزی که مهم است سر پناه بودن را وظیفه خانه می داند که یک نهاد اجتماعی است از روز اول انسان بخاطر اعتقاد داشتن به آیین ها و مسائل فرهنگی خانه را بوجود آورد. «راپاپورت»  
آدمی پیش از افکنده شدن به جهان در گهواره خانه نهاده شده است. خانه برای ما هم زمان، هم خیال های پراکنده، هم خیالات یکپارچه است. (باشلار، ۱۳۹۱:ص ۴۳)

خانه از میان فضایی که انسان در آن حضور می یابد شکل می گیرد، خانه فضایی است که آدمی بطور روزمره از آن تأثیر می گیرد و بر آن تأثیر می گذارد و انسان احساس تعلق به فضا دارد و مجموع حواس پنج گانه در آن درگیر است، اولین رابطه های بی واسطه در آن صورت می گیرد، خلوت همسر، فرزندان، خانواده و دوستان در آن احساس می شود به دور از تعرض دیگران. (حائری، ۱۳۸۹:ص ۳۱)  
در میان همه اقوام و ملل و فرهنگ های جهان، خانه جایگاهی ویژه دارد. از آنجا که این مکان متضمن تشکیل نوعی از همزیستی گروهی در بین انسان هایی است که با یکدیگر نسبت های مشخص دارند، می توان آن را، بعد از سرپناه های اولیه، از قدیمی ترین اماکن بشری شمرد. راپاپورت، در این باره می گوید که خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد نهادی است با عملکرد چند بعدی.  
راپاپورت همچنین معتقد است که در جوامع سنتی، خانه و شکل و سازمان و تقسیمات فضایی آن را، قبل از آنکه اقلیم و مصالح و فناوری تعیین کنند، درک انسان ها از جهان، حیات و نیز فرهنگ آنان، شامل اعتقادات مذهبی، ساختار قبیله و خانواده، سازمان اجتماعی، روش زندگی و شیوه ارتباطات اجتماعی افراد تعیین می کرده است. مسلماً جوامع در ساخت و سازهای خود امکان انتخاب های متعدد از میان الگوهای مختلف را داشته اند. آنچه در نهایت انتخاب شده فقط به واسطه محدودیت ها و امکانات فیزیکی و بیولوژیکی نبوده است، بلکه فرهنگ نقش موثری در آن داشته؛ و در غیر این صورت، این همه تنوع ساخت در خانه های دنیا وجود نمی داشت. (براتی، ۱۳۸۲:ص ۱۳)

خانه ممکن است به دو صورت دیده شود: اول تجلی آشکاری از خود که در حالت پیام های روانی از خود به سوی نماد عینی خود جاری می شوند و دوم به صورت کشف و شهود ماهیت خود، که در این حالت پیام ها از نماد عینی به جانب خود باز می گردند. به این گونه است که زنجیره خانه، خود تقریباً به طور همزمان می تواند به صورت منفی و مثبت یک فیلم پنداشته شود. (ارباب جلفایی، ۱۳۷۹:ص ۱۷)  
انسان ها بر حسب درجه تمدن و امکانات طبیعت مسکونی خویش، نقطه ای از سطح زمین را موقتاً و یا به منظور سکونت دائم برگزیده و برای ارضای غریزه خواب و گذراندن اوقات استراحت، خانه ای محفوظ از مضرات هوا و خطرات دشمن، ایجاد نموده اند. وجود این غریزه در بشر اولیه، نطفه خانه را منعقد ساخته و تغییر و تکامل آن در جریان تاریخ تمدن انسان، سلسله روابط دایمی بین انسانها و طبیعت را ایجاد نموده است و نتیجه تلفیق و هماهنگی و ترکیب استعداد های طبیعت با عوالم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ذوق و سلیقه و حس جمال پرستی و سن افراد نمونه های گوناگون خانه را پدیدار کرده است. (کیانی، ۱۳۸۸:ص ۱۵۶)

امروزه وقتی از خانه سخن گفته می شود تنها هیئات مادی آن که لحظات آسایش و خواب در آن می گذرد، در نظر نقش نمی بندد بلکه مجموعه کاملی از عوامل در نظر مجسم می شود که هر یک از آنان از منابع مختلف سرچشمه گرفته و با یکدیگر ممزوج شده و از اجتماع آنها محیطی به وجود می آید که انسان در آن پرورش می یابد و جلوه های متنوعی از تلاش های روحی و فکری خود را در آن پدیدار ساخته و رو به تکامل پیش می رود. (کیانی، ۱۳۷۴:ص ۲۴)

خانه تنها به معنای سرپناه و محلی برای ساکن شدن نیست، خانه جایگاهی است که سکونت و امنیت را در بر می گیرد. برای هر فضا معنا و کارکردی خاص را تعریف می کند و روابط را شکل می دهد، برای مثال وقتی شبی در بین راه رسیدن به مقصدی مجبور به توقف می شویم از اصطلاح ساکن شدن و مسکن گزیدن استفاده می کنیم نه خانه گرفتن زیرا فقط خواسته ایم مدتی را در آنجا ساکن شویم و فرقی نمی کند که چه ویژگی هایی دارد یا فضای آن به چه صورت است، ولی وقتی روابط و حریم مطرح می شود از واژه خانه استفاده می کنیم. خانه دنیای مادی

را با دنیای معنا پیوند می دهد و این یکی از دلایل احساس آرامش و امنیت در آن است. در واقع این وجود انسان است که این مفاهیم را به مکانی با نام خانه می دهد و به آن تعلق خاطر دارد و این خانه است که تمامی افکار و باورها و اعتقادات را در خود جای می دهد و می توان گفت اولین نشانه های فرهنگ در درون خانه شکل می گیرد.

### ۳- خانه موقت و دائمی

" تمام خانه های انسانی به یک منظور به وجود نیامده و به همین جهت به یک نسبت دوام پیدا نمی کنند. بسیاری از خانه ها با تغییر نوع احتیاجات انسان، حرکت و تکامل خود را از دست داده و متروک می شود و به تدریج از بین می رود. این نوع خانه ها از قدیمی ترین دوران تاریخی تا به امروز وجود داشته و دارند.

در زمان های قدیم بسیاری از انسان ها در دهکده های موقتی زندگی می کردند و غالباً آنها را به منظور شکار یا تهیه غذا و لباس و حواجی دیگر ترک می کرده، گاه در نقاط دیگر دهکده ای تازه به وجود می آورند. در برخی نقاط دوام خانه های روستایی به حاصلخیزی خاک بستگی داشته یعنی با از بین رفتن قدرت زمین، دهکده ها رها می شده روستاییان در زمین حاصلخیز دیگری به تأسیس روستا اقدام می کردند. تغییر و انتقال خانه ها از جایی به جای دیگر فقط مربوط به ملل بدوی و کم توسعه نیست بلکه در جریان تاریخ ملل متمدن نیز زیاد دیده شده که تپ خاص از خانه به منظور خاصی بوجود آمده و پس از تأمین نیازهای اولیه، با هدفهای جدید مردم هماهنگی نداشته و تغییر شکل یافته است و یا در ارتفاعات طبیعی و در موقع بروز جنگ ها یا شیوع امراض مسری، افراد، خانه های خود را رها کرده و به نقاط دور افتاده که غالباً بواسطه فقر منابع طبیعی یا راههای صعب العبور کمتر توجه نفوس را جلب کرده روی می آورند.

مورخ یونانی توسیدید در توصیف خانه ها زمان خود می نویسد: وقتی که خطر دزدان دریایی در مدیترانه مردم ساحل نشین را تهدید می کرد، شهرها از دریا فاصله می گرفت و هنگام از بین رفتن خطر شهرها به سمت دریا کشیده می شدند.

هنگامی که شرایط مساعد طبیعی با هدف های انسانی برای مدتی طولانی موافق و هماهنگ باشد خانه های ثابت به وجود می آید و به نسبت مساعد بودن شرایط دوام می یابد حتی انقلابات و حوادث نیز نمی تواند به راحتی آنها را متزلزل نماید. این قبیل خانه ها به صورت شهر جلوه گر می شود و نتیجه تلاش های فردی و اجتماعی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. (کیانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷)

این سیاه خانه ها از قدیمی ترین خانه های بشر هستند که در طی دوران هایی به تکامل و قوام رسیده اند واز آن پس به عنوان خانه ایده آل برای زندگی کوچ نشینی مورد استفاده قرار می گیرند. سیاه چادرها تعامل بشر با محیط پیرامونش را نشان می دهند. ایلات ایران به شیوه سنتی دامداری اشتغال دارند و به صورت کوچ نشینی زندگی می کنند و سالیانه بین دو محدوده سردسیر و گرمسیر در حرکتند، در نتیجه خانه ای را انتخاب می کنند که موقت بوده و تمامی احتیاجات آنها را برآورده کند از جمله امنیت، آسایش در برابر عوامل محیطی و جوی، رفع نیاز های اجتماعی و بهداشتی،... و همچنین مشکلی از نظر حمل و جابجایی آن نداشته باشند. سیاه خانه تمامی این فضا ها را دارد و همانند یک خانه در خود جای می دهد با وجود فضای کم، تمامی کارکردهای خانه در آن تعریف شده است.

### ۴- معماری سیاه خانه

سیاه خانه های طوایف مختلف ایل قشقایی تفاوت کلی در نحوه ساختار ندارند، ولی چون در این پژوهش تحقیقات میدانی با تکیه بر طایفه کشکولی بزرگ صورت گرفته است و عکس ا و پلان های ارائه شده مربوط به این طایفه است. در استان فارس سیاه خانه های تابستانی و زمستانی از نظر عناصر سازه ای تفاوتی ندارند، تنها طریقه برپایی و چیدمان داخل آنها متفاوت است.

#### ۱-۴ سیاه خانه تابستانی

در فصل تابستان به دلیل گرمای هوا ضلع طولی چادر به عنوان ورودی باز بوده و لت (بافته از موی بز) در آن قسمت گرفته نمی شود و دیرک های دور به صورت صاف و عمود قرار می گیرند در نتیجه سقف چادر شیب پیدا نمی کند (شکل ۱) چادرمانند یک سالن مکعب مستطیل

شکل دیده می‌شود و هوا به راحتی در آن جریان دارد و گرمای زیادی احساس نمی‌شود. گرچه رنگ تیره آن موجب جذب تشعشعات خورشیدی می‌شود ولی ارتفاع دیرک‌ها موجب گردش هوا در محیط شده و این کمکی در تعدیل دماست، البته در چادرهایی هم دیده شده که دیرک‌ها را کمی مایل قرار می‌دهند تا در صورت وزش بادهای شدید استحکام بیشتری داشته باشند. (شکل ۲)



شکل ۱- سیاه خانه تابستانی، آرشیو اداره کل امور عشایر فارس



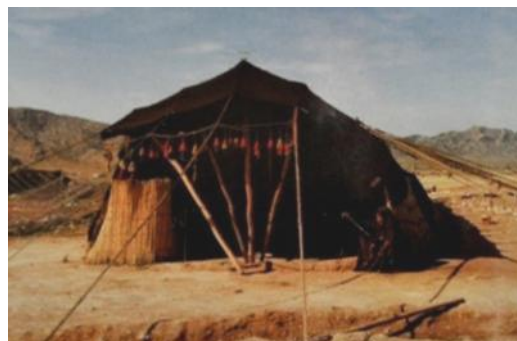
شکل ۲- قرارگیری دیرک‌های مایل.، نویسنده

### سیاه خانه زمستانی

- در فصل زمستان برای مقابله با سرما و باد و طوفان تغییراتی در نحوه برپایی چادر به وجود می‌آورند.
- دورتادور چادر را لت می‌کشند تا به زمین برسد و فقط درب کوچکی در ضلع عرضی چادری گذارند.
  - از وسط سقف در جهت طول دیرک‌هایی وصل می‌کنند به نام تیرهای جمال که روی دیرک‌های پایه قرار می‌گیرند و سقف چادر به صورت شیروانی، شیب دار می‌شود و شیب از وسط به دو طرف تقسیم شود. (شکل ۳)
  - دیرک‌های دور چادر را به صورت ضربدری کار می‌گذارند تا شیب سقف درست شود. پایه‌ها را کوتاه می‌کنند تا ارتفاع آن کم باشد و گاهی اطراف آن را سنگ چین کرده و به وسیله آلاچیق از ورود هوای سرد جلوگیری می‌نمایند. (شکل ۴)



شکل ۴- دیرک‌های ضربدری در سیاه خانه زمستانی. (نویسنده)



شکل ۳- سیاه خانه زمستانی، کیانی، ۱۳۸۵

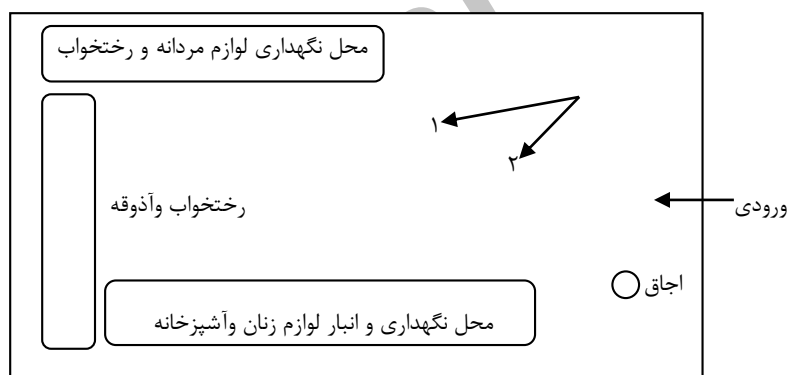
## ۵- ساختار فضایی و چیدمان داخل سیاه خانه

سازمان داخلی سیاه چادر بطور عمده ای بر مبنای ثروت و موقعیت اجتماعی صاحب آن تغییر می‌کند، در زیر بیشتر چادرها قسمت ویژه مردان وجود دارد، فضایی است که همیشه باید تمیز نگه داشته شود. از تحقیقات به عمل آمده چنین بر می‌آید افرادی که دارای موقعیت اجتماعی پایین تری می‌باشند نظم و ترتیب در منزل آنها کمتر و دارای امکانات و وسایل رفاهی کمتری برای پذیرایی می‌باشند، چادرهایشان دارای ابعاد کوچکتری است و غالباً فضای آن توسط ملزومات و وسایل خانگی اشغال شده است. در خانواده های خوانین که دارای موقعیت اجتماعی بالا هستند به واسطه بزرگی چادر و داشتن امکانات مناسب زندگی، هیچگونه آشفتگی به چشم نمی‌خورد و توانایی پذیرایی از مهمانان با هر تعداد، با استفاده از امکانات رفاهی و آسایشی که دارند راحت تر می‌باشد.

تفکیک فضای خانه به عملکردهای مختلف به وسیله تیغه هایی صورت می‌گیرد ولی در سیاه خانه این تفکیک فضایی بدون تیغه است و با زیبایی، سادگی و سیالیت فضا همراه است. در چادر که به عنوان یک ساختمان کامل است محل خواب، غذا خوری، پذیرایی، آشپزخانه و انبار همه در یک محوطه با مساحتی نچندان زیاد قرار گرفته اند. اما در این میان نظمی وجود دارد، هر قسمت سیاه خانه جای وسیله بخصوصی است که در خانواده های مختلف با توجه به سطح طبقاتی و فرهنگیشان متفاوت است.

### ۵-۱ ارائه طرح چیدمان داخلی در سیاه خانه زمستانی

ورودی از محور عرضی چادر است و سمت راست مخصوص لوازم مرد خانواده و رختخواب و سمت چپ محل نگهداری لوازم آشپزخانه و انبار است که در ادامه پلان و عکس هایی از داخل چادر ارائه شده است. (شکل ۵)



شکل ۵- پلان سیاه خانه زمستانی. نویسنده



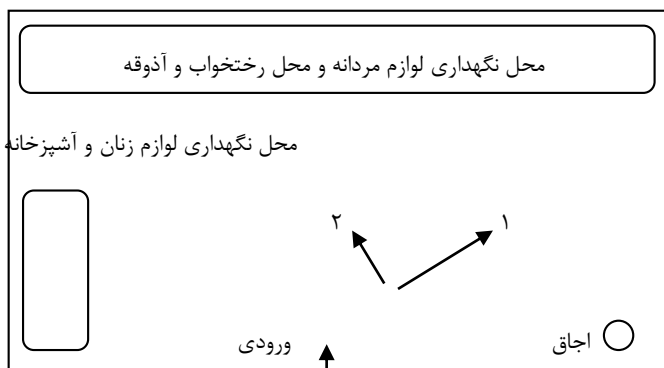
شکل (۲-۵) نمای داخل سیاه خانه زمستانی. نویسنده



شکل (۱-۵) نمای داخل سیاه خانه زمستانی. نویسنده

## ۲-۵ ارائه طرح چیدمان داخلی در سیاه خانه تابستانی

ورودی از محور طولی چادر است. سمت راست محل نگهداری لوازم آشپزخانه و انبار و سمت چپ مخصوص لوازم مرد خانواده است که در ادامه پلان و عکس هایی از داخل چادر ارائه شده است. (شکل ۶)



شکل ۶- پلان سیاه خانه تابستانی. نویسنده

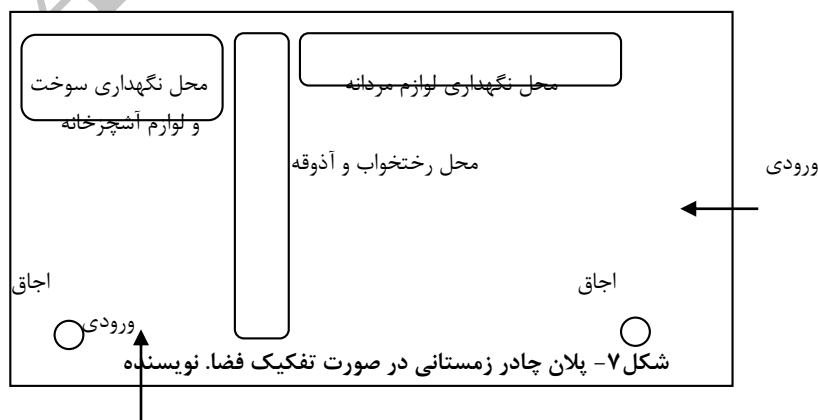


شکل (۶-۱) نمای داخل سیاه خانه تابستانی. نویسنده



شکل (۶-۱) نمای داخل سیاه خانه تابستانی. نویسنده

در بعضی از چادرهای زمستانه دیواری که با سنگفرش و جوال ها و رختخواب درست می کنند، را در  $\frac{1}{3}$  طولی چادر قرار می دهند (شکل ۸- ۷) و چادر را به دو قسمت تقسیم می کنند، در این حالت چون فضا کوچک تر است زودتر گرم می شود، از قسمت پشت آن برای آشپزخانه و انبار و همچنین در زمانی که سرمای زمستان زیاد باشد چیق بره های نوزاد را در پشت آن قرار می دهند تا در فضای گرم چادر محفوظ باشند.



شکل ۷- پلان چادر زمستانی در صورت تفکیک فضا. نویسنده





شکل ۸- انتهای چادر، آشپزخانه و چیق بره های نوزاد، منصوره منصوری مقدم

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اصولی یکپارچه وجود دارد که تقریباً در همه چادرها رعایت می‌شود، که به صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود. اگر یک چادر را مستطیلی در نظر بگیریم که یکی از اضلاع آن درب ورودی باشد که در چادر تابستانی یک ضلع طولی و در چادر زمستانی یک ضلع عرضی است، در این صورت طرز چیدمان وسایل زندگی بدین گونه است:



شکل ۹- چیدن سنگفرش و قرار دادن جوال ها و رختخواب ها روی آن. نویسنده

- لوازم مردانه و مایحتاج میهمانان در گوشه سمت راست و وسایل زنانه و لوازم آشپزخانه را در گوشه سمت چپ قرار می‌دهند.
- در طول چادر و در حاشیه ضلع بلند آن سنگفرشی تدارک می‌بینند تا وسایل روی آنها چیده شود تا از نفوذ رطوبت و از ورود باد و گرد و خاک جلوگیری شود.
- روی سنگفرش مزبور جوال های پر از آرد، گندم، جو، برنج و حبوبات را طوری منظم می‌چینند که قسمتی از دهانه جوالها بیرون باشد و به راحتی بتوانند از مواد داخل آن برداشت نمایند.
- بر روی جوالها یا کیسه های آذوقه خوابگاه هایی که درون آنها رختخواب مخصوص میهمان و اسلحه و لباسهای زنانه که کمتر مورد استفاده می باشد قرار می‌دهند.
- روی خوابگاه ها، رختخواب های خانوادگی که هر شب بایستی پهن و صبحگاهان جمع شوند و در محل خود قرار گیرد می‌چینند.
- روی رختخوابها جاجیم ها، گلیم های تا شده قرار می‌گیرد و سرانجام متکاها با رنگهای مختلف زینت بخش کلیه وسایل است. (شکل ۹)

در برخی خانواده ها گلیم بزرگی که به اندازه طول چادر است روی وسایل خانه می‌کشند تا هم زیبا نمایان شود و هم وسایل را محفوظ نگه دارد. چیدن وسایل در طول چادر مانند دیواری خوش نما از روبروست که محافظ خوبی برای ورود باد و گرد و خاک است و برای نشستن تکیه گاه مطلوبی می باشد. (شکل ۱۰)





شکل ۱۰- چیدمان تکیه گاه چادر. نویسنده

در چادر معمولا دو جای اجاق وجود دارد برای زمانی که مهمان می آید و قسمت زنان و مردان جداست ولی در حالت معمول اجاق سمت چپ است زیرا این قسمت مربوط به وسایل زنان و آشپزخانه است، امروزه به جای اجاق از گاز استفاده می کنند و در بعضی مواقع در تابستان اجاق و وسایل آشپزخانه را به بیرون هم انتقال می دهند. (شکل ۱۱)



شکل ۱۱- آشپزخانه تابستانی در بیرون سیاه خانه. نویسنده

## نتیجه گیری

خانه مفهوم جامعی دارد، فضاها و کارکردهای آنان به راحتی در آن جای می گیرد، از آنجا که در زندگی و فرهنگ کوچ نشینی تمامی این معانی در سیاه چادر وجود دارد، پس می توان سیاه خانه را جایگزین سیاه چادر کرد تا معنای وسیع خانه را که در آن نهفته است در این مکان هم، بیان کنیم. سیاه خانه تمامی هویت یک خانه را برای کوچ نشینان دارد و جایگاه شکل گیری اولین فرهنگ های بشری است. با مشخص شدن جایگاه خانه، واژه سیاه خانه را برای سیاه چادرهای عشایر به راحتی می توان جایگزین کرد. در بررسی ویژگی های معماری سنتی مسکونی ایران و سیاه خانه شباهت هایی آشکار است، از جمله: در معماری سنتی ایران تقسیم بندی فضاهای خانه در راستای محور اصلی است خواه دارای حیاط و ارسی باشند یا نباشند، که این مهم در طراحی فضای سیاه خانه با توجه به محور چادر رعایت می شود. ساماندهی فضاها با توجه به کوچ داخلی در فصول مختلف صورت می گیرد، بدین ترتیب که قسمت رو به آفتاب زمستان نشین و قسمت پشت به آفتاب را تابستان نشین گویند، این تغییر در فضا را در چادرها هم می توان دید که با تغییر فصل نوع چیدمان و محور برپایی چادر عوض می شود. از فضا هایی که در معماری ایرانی دیده می شود، اتاق شاه نشین است که دارای ستون ها و فضای وسیعی است همانند سیاه خانه تابستانی که از نمای ورودی، شاه نشین را در ذهن تداعی می کند. از جمله فرم هایی که در طراحی فضا و کارکرد، در معماری خانه ها استفاده شده، طراحی فضاها در دو سمت و یا در سه سمت انجام شده است که این دو فرم در چیدمان سیاه خانه های تابستانی و زمستانی نیز دیده می شود. از مهم ترین نتایج بدست

آمده این بود که شباهت سیاه خانه با خانه، به عنوان فضا و مکانی برای زندگی کردن با همان مفاهیم کارکردی آشکار شده و تفاوت‌هایی که شاید دیده شود در موقت بودن سیاه خانه است که آن هم به واسطه شرایط اقلیمی و اقتصاد بر پایه دامداری عشایر قابل درک است.

## منابع

۱. ارباب‌جلفایی، آرش (۱۳۷۹)، «مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا»، چاپ اول، تهران: نشر خاک.
۲. باشلار، گاستن (۱۳۹۱)، «بوطیقای فضا»، مترجمان: مریم کمالی و محمد شیربچه، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۳. براتی، ناصر (۱۳۸۲)، «بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی»، فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان، شماره ۸.
۴. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۹)، «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات سروش دانش.
۵. پیردیگار، ژان (۱۳۶۹)، «فنون کوچ نشینان بختیاری»، ترجمه: صفر کریمی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. حائری، محمد رضا (۱۳۸۹)، «مفهوم خانه یا خانه مفهوم»، مرکز هنر پژوهی نقش جهان.
۷. حساس، نجمه (۱۳۹۱)، «حفاظت از سیاه چادرهای عشایر قشقایی فارس»، امین محمودزاده، شیراز: آپادانا، (منتشر نشده).
۸. دُرداری، نوروز (۱۳۸۹)، «تاریخ سیاسی و اجتماعی ایل بزرگ قشقایی»، شیراز: انتشارات قشقایی.
۹. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۴۴)، «لذات فلسفه»، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران: نشر اندیشه.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، «لغت نامه دهخدا»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. زرین پناه، نصیر (۲۰۰۷)، «سه گاه خانه، روایتی از کیفیت تاریخی توسعه مفهوم خانه»، <http://zarrinpanah.blogspot.com>
۱۲. کیانی، منوچهر (۱۳۸۸)، «سیه چادر»، شیراز: کیان نشر.
۱۳. کیانی، منوچهر (۱۳۷۴)، «تحلیل و بررسی مسکن در عشایر فارس»، شیراز: کیان نشر.
۱۴. معین، محمد (۱۳۵۰)، «فرهنگ فارسی معین»، تهران: انتشارات امیرکبیر.